

آثار فقر فکری از منظر آیات و روایات

چکیده

فقر فکری، فقری است که دارای آثاری است و بعضا عواقب جبران ناپذیری به همراه دارد. عواقبی که برخی مربوط به زندگی دنیوی و برخی نیز متوجه زندگی اخروی فرد می باشند. آنچه که مسلم است این است که هر گاه پیامدها و آثار یک عمل مشخص گردد تلاش برای انجام یا ترک آن عمل مضاعف می گردد. اگر برای فرد محرز گردد که فقر فکری چه پیامدهای فردی و اجتماعی و نیز چه عواقبی در دنیا و آخرت دارد مسلما انگیزه و تلاش وی برای رفع آن بیشتر خواهد شد. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده آثار فقر فکری از منظر آیات و روایات است. با بررسی مقالات موجود در پایگاه مجلات تخصصی نور به آدرس www.noormags.ir و نیز پایگاه جهاد دانشگاهی به آدرس www.sid.ir محرز گردید که تاکنون کاری جدی در زمینه بررسی آثار فقر فکری آن هم از منظر آیات و روایات صورت نگرفته است. در این مقاله تلاش بر این بوده تا آثار و عواقب فقر فکری در زندگی دنیوی و نیز اخروی مورد بررسی قرار بگیرد. این آثار بعضا فردی و گاهی دامنگیر زندگی اجتماعی افراد است. در این مقاله به پاسخ به سه سوال اساسی پرداخته شده است: تفکر به چه معناست؟ فقر فکری چگونه فقری است؟ آثار فقر فکری کدام است؟ این کار با جستجو در تفاسیر، کتاب هایی مانند نهج البلاغه و غررالحکم و درج مطالب مرتبط با موضوع، بصورت نقل قول مستقیم در مقاله صورت گرفته است.

کلیدواژه فقر فکری - روایات - آیات - آثار _ تفکر

فکر، نیرویی است در شخص که برای طلب معنا، در امری دقیق و باریک می‌گردد و تفکر جولان این نیرو بر حسب نظر عقل است و جز بر آنچه صورت آن در قلب حاصل گردد گفته نمی‌شود (مفردات، ص ۶۴۳ «فکر»؛ نشر طوبی، ج ۲، ص ۲۷۰) فکر در اصطلاح عامه مردم نیز عبارت است از هر انتقالی که برای نفس در ادراکات جزئی صورت گیرد. (شرح منظومه، ج ۱، ص ۸۴) بی‌شک حیات انسانی حیاتی فکری است و آن با ادراکی سامان می‌یابد که فکر نامیده می‌شود. لازمه این سخن آن است که فکر هرچه صحیح‌تر و تام‌تر باشد حیات و زندگی استوارتر خواهد بود، بنابراین زندگی استوار انسانی، با فکر استوار رابطه مستقیم دارد. این حقیقت را خداوند با راه‌های مختلف و اسلوب‌های متنوع بیان کرده است؛ مانند آنجا که در تمثیلی، هدایت یافتگان را در برابر گمراهان قرار داده، می‌فرماید: آیا کسی که مرده دل بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود، همانند کسی است که گویی در تاریکی‌ها گرفتار است و از آن بیرون شدنی نیست: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (انعام/ ۶، ۱۲۲)

در قرآن کریم افزون بر واژه تفکر که مشتقات آنکه ۱۸ بار به کار رفته، مشتقات واژه‌های مرتبط با موضوع تفکر، نظیر تدبّر، تذکر، تفقه، تفکیر، اعتبار، نظر و عقل نیز فراوان به کار رفته است. (دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص: ۳۸۴)

از بررسی آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود افرادی که از نظر فکری یا بدنی یا اقتصادی آنچنان ضعیف باشند که قادر به شناسایی حق از باطل نشوند، و یا این که با تشخیص عقیده صحیح بر اثر ناتوانی جسمی یا ضعف مالی و یا محدودیت‌هایی که محیط بر آنها تحمیل کرده قادر به انجام وظایف خود بطور کامل نباشند و نتوانند مهاجرت کنند آنها را مستضعف می‌گویند. از امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند که مستضعفان چه کسانی هستند؟ امام در پاسخ این سؤال نوشتند: «مستضعف کسی است که حجت و دلیل به او نرسیده باشد و به وجود اختلاف (در مذاهب و عقاید که محرک بر تحقیق است) پی نبرده باشد، اما هنگامی که به این مطلب پی برد، دیگر مستضعف نیست». (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۴۲)

فقر روحی و فکری بالاتر از فقر مالی و اقتصادی است، با داشتن ثروت روحی و فکری و اخلاقی می‌توان فقر مالی و اقتصادی را علاج کرد ولی با وجود فقر روحی و معنوی بی‌نیازی مالی سودی ندارد و ممکن است بر ناراحتی و شقاوت انسان بیفزاید... انسان نباید فقر را منحصر به فقر مالی بداند و توجهی به فقرهای فکری و روحی و اخلاقی نداشته باشد. چیزی که منشا می‌شود انسان همه‌ی نوجه خویش را معطوف به رفع فقر مالی بکند این است که انسان خودش فقر مادی را بیش از دیگران احساس می‌کند و

رنج فقر مادی را بیش از کسان دیگر حس می کند، برخلاف فقرهای روحی و معنوی که خود شخص آن فقر و عوارض و آثار آن فقر را احساس نمی کند، دیگران و مخصوصاً آن هایی که از این ثروت معنوی بهره کافی دارند بهتر احساس می کنند. از این جهت است که می بینیم پیغمبران و پیشروان قافله بشریت بیشتر توجه خود را به رفع نواقص روحی و معنوی معطوف کرده اند. (حکمت ها و اندرزها /مرتضی مطهری/ جلد ۱/صفحه ۲۱۰) فقر فکری، فقری است که دارای آثاری است و بعضاً عواقب جبران ناپذیری به همراه دارد. امام علی(ع) می فرماید: نادانی(فقر فکری) ریشه ی همه ی بدی هاست. (غررالحکم، حکمت ۸۱۹) عواقب فقر فکری برخی مربوط به زندگی دنیوی و برخی نیز متوجه زندگی اخروی فرد می باشد. آنچه در ادامه می آید آثار فقر فکری از منظر آیات و روایات است.

تقلید و تبعیت کورکورانه از نیاکان

انسان به حکم طبع اولی خود هنگامی که می بیند یک فکر و عقیده خاص مورد قبول نسلهای گذشته بوده است خود به خود بدون آنکه مجالی به اندیشه خود بدهد آن را می پذیرد. قرآن یادآوری می کند که پذیرفته ها و باورهای گذشتگان را مادام که با معیار عقل نسنجیده اید نپذیرید؛ در مقابل باورهای گذشتگان استقلال فکری داشته باشید. (انسان و ایمان شهید مطهری، ص ۶۸)

در آیه ۱۷۰ سوره مبارکه بقره می خوانیم:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَفْقَهُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

و هنگامی که به آنان [که آلوده به شرک و کفرند] گویند: از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، پاسخ دهند: نه، بلکه از آیینی که پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی فهمیدند و راه نمی یافته اند [باز کورکورانه از آنان پیروی خواهند کرد؟!]

معنایش این است که ما پدران خود را در هر حالی و بر هر وصفی که بودند، چه صحیح و چه غلط، پیروی می کنیم، حتی اگر هیچ علمی هم نداشته اند و هیچ راه نیافته اند، باز پیرویشان می کنیم و می گوئیم: آنچه آنها می کردند حق است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص: ۶۳۵) به آنها گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید می گویند ما از آنچه پدران و نیاکان خود را بر آن یافتیم پیروی می کنیم " (وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ در اینجا اشاره به منطق سست مشرکان در مساله تحریم بی دلیل غذاهای حلال، و یا بت پرستی، کرده، می گوید: " هنگامی که اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا). (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۵۷۵) قرآن بلافاصله این منطق خرافی و تقلید کورکورانه از نیاکان را با این عبارت کوتاه و رسا محکوم می کند: " آیا نه این است که پدران آنها چیزی نمی فهمیدند

و هدایت نیافتند؟! (أَوْ لَوْ كَانَ أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ). یعنی اگر نیاکان آنها دانشمندان صاحب‌نظر و افراد هدایت یافته‌ای بودند جای این بود که از آنها تبعیت شود، اما با اینکه می‌دانند آنها مردمی نادان و بی‌سواد و موهوم‌پرست بودند پیروی آنها چه معنی دارد؟ آیا مصداق تقلید جاهل از جاهل نیست؟! مساله قومیت و تعصبات قومی مخصوصاً آنجا که به نیاکان مربوط می‌شود از روز نخست در میان مشرکان عموماً، و در میان غیر آنها غالباً وجود داشته است و تا امروز هم چنان ادامه دارد. اصولاً پیروی از پیشینیان اگر به اینصورت باشد که انسان عقل و فکر خود را درست در اختیار آنها بگذارد این کار نتیجه‌ای جز عقب‌گرد و ارتجاع نخواهد داشت، چرا که معمولاً نسل‌های بعد از نسل‌های پیشین با تجربه‌تر و آگاه‌ترند. (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۵۷۶) در این آیه خدا مردم را وادار می‌کند که آنچه را واضح بچشم می‌بینند و ارزش و درستی آن برای‌شان روشن است پیروی کنند آنها بر خلاف دلیل‌های آشکار پی تقلید گذشتگان خود می‌روند از این جهت آنها را توبیخ می‌کند بر دنبال‌گیری تقلید و رها کردن فکر و دلیل (تفسیر عاملی، ج ۱، ص: ۲۵۶)

این آیه به این نکته مهم اشاره دارد که پیروی و اطاعت عقلانی مانعی ندارد، بلکه آنچه که مورد نقد قرآن قرار گرفته تقلید از کسانی است که خودشان دارای تعقل نبوده‌اند و چنین تقلیدی خود، نشانه فقر فکری است.

پیروی از پیشینیان اگر مانع تفکر و خردورزی انسان شود، نتیجه‌ای جز عقب‌گرد و ارتجاع نخواهد داشت. معمولاً نسل‌های بعد، از نسل‌های پیشین با تجربه‌تر و آگاه‌ترند، اما مانعی ندارد که نسل‌های آینده آداب و سنت‌های گذشتگان را تحلیل و بررسی کنند و آنچه با عقل و منطق و دین سازگار است بپذیرند و حفظ کنند و آنچه خرافی و موهوم و بی‌دلیل است دور بریزند. (تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ص: ۷۷)

بدعت‌گذاری و خرافه پرستی

غالب کارهای خلاف و صفات زشت انسان به نقصان در توحید و خداشناسی باز می‌گردد. توحید حاکمیت شرعیه یکی از شاخه‌های توحید افعالی است، و منظور از آن این است که: وضع احکام تشریعی در انحصار خداوند است، و هیچ کس غیر از خداوند حق تشریع احکام ندارد. حتی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جعل حکم نمی‌کند مگر به اذن الله (سوگندهای پر بار قرآن، ص: ۴۳۹) امام معصوم نیز بدون اذن پروردگار حق تشریع احکام ندارد. بنابراین همه احکام از سوی خداست، و اوست که حاکم مطلق بر

بندگان است. بنابراین بدعت گذار که به خود اجازه جعل قانون و تشریع می‌دهد و سپس آن را به خدا نسبت می‌دهد در توحید حاکمیت تشریع مشکل دارد؛ بنابراین بدعت با توحید سازگاری ندارد. (سوگندهای پر بار قرآن، ص: ۴۴۰)

قرآن کریم در آیه ی ۱۰۳ سوره ی مائده چهار بدعت خرافی عرب جاهلی را رد می‌کند و می‌فرماید: مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ : خدا هیچ (ممنوعیتی، در مورد) حیوان گوش شکافته بارور، و شتر آزاد بارور، و گوسفند بارور، و حیوان نرینه حمایت شده ای، قرار نداده است؛ و لیکن کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می‌بندند؛ و اکثر آنان خردورزی نمی‌کنند.

ممنوعیت و حرمت گوشت این حیوانات نوعی خرافات بود؛ همان‌طور که معطل گذاشتن و استفاده نکردن از آنها نیز نوعی اسراف و هدر دادن سرمایه بود. (تفسیر قرآن مهر، ج ۵، ص: ۲۳۷)

قرآن نه تنها تحت تأثیر فرهنگ جاهلی عرب قرار نگرفت، بلکه با خرافات و بدعت‌های جاهلی عرب مبارزه کرد. خرافات، بدعت و تهمت زدن به خدا، ریشه در کم‌خردی دارد. (تفسیر قرآن مهر، ج ۵، ص: ۲۳۸)

حضرت علی علیه السلام طبق روایتی که در کتاب کنز العمال نقل شده، سرچشمه بدعت را هواپرستی می‌داند و می‌فرماید: «وَأَمَّا أَهْلُ الْبِدْعَةِ فَأَلْمَخَالِفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ، أَلْعَامِلُونَ بِرَأْيِهِمْ وَأَهْوَائِهِمْ وَإِنْ كَثُرُوا؛ بدعت گذاران مخالفان فرمان خدا و رسول و قرآن هستند. آنها مطابق رأی خود عمل کرده، و از هوای نفسشان پیروی می‌نمایند، هر چند زیاد باشند». (سوگندهای پر بار قرآن، ص: ۴۴۱)

مردم جاهلی می‌پنداشتند با رها کردن حیوانات یاد شده، به خدا یا بتان نزدیک می‌شوند. نظیر این احترام به حیوانات را هنوز در کشور هند درباره ی گاو مشاهده می‌کنیم. رها کردن و بلا استفاده گذاردن حیوان جایز نیست، چه رسد به رها شدن انسان. در روایت آمده است: «بحیره» به شتری می‌گویند که پنج شکم زاییده باشد، اگر پنجمی ماده بود، گوشش را چاک می‌زدند و خوردن گوشت آن را حرام می‌دانستند. امام صادق علیه السلام فرمود: «در زمان جاهلیت اگر شتر دو قلو می‌زایید می‌گفتند: «وصیلة» و ذبح و خوردن گوشت آن شتر را حرام می‌دانستند و اگر شتر ده شکم می‌زایید می‌گفتند: «سائبة» است و در این صورت سوار شدن و خوردنش را حرام می‌دانستند و «حام»، شتری بود که به عنوان «فحل» از آن استفاده می‌کردند که ذبح آن را نیز حلال نمی‌دانستند». (تفسیر نور، ج ۲، ص: ۳۸۲)

قرآن کریم در آیه ی ۳۲ سوره ی انعام با فراخواندن به خردورزی، دنیا را بازیچه معرفی می کند و می فرماید: **وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ** : و زندگی پست (دنیا) جز بازی و سرگرمی نیست! و حتماً سرای آخرت، برای کسانی که خود نگهداری می کنند بهتر است! پس آیا خردورزی نمی کنید؟!

این آیه پس از مقایسه میان دنیا و آخرت، مردم را به اندیشیدن و فکر کردن دعوت می کند تا خود به برتری آخرت بر دنیا پی ببرند.
(تفسیر کوثر، ج ۳، ص: ۳۷۴)

قرآن به چیزهایی تاکید می کند که اگر انسان مواظب نباشد عوامل و شرایط موجود دست به دست هم داده مسلمین را به پرتگاه سقوط می کشاند(گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، اصغر طاهرزاده، ص ۱۵۹)

امام علی (ع) می فرماید : خردمند به عمل خود تکیه می کند و نادان به آرزوی خود (غیرالحکم، حکمت ۱۲۴۰)

گرایش به شخصیتها و پیرویهای کور و بی منطق

شخصیت های بزرگ تاریخی یا معاصر از نظر عظمتی که در نفوس دارند بر روی فکر و اندیشه و تصمیم و اراده دیگران اثر می گذارند و در حقیقت هم فکر و هم اراده دیگران را تسخیر می کنند. دیگران آنچنان می اندیشند که آنها می اندیشند و آنچنان تصمیم می گیرند که آنها می گیرند؛ دیگران در مقابل آنها استقلال فکر و اراده خود را از دست می دهند. (انسان و ایمان شهید مطهری، ص ۶۸) قرآن کریم ما را دعوت به استقلال فکری می کند و پیرویهای کورکورانه از اکابر و شخصیتها را موجب شقاوت ابدی می داند؛ لهذا از زبان مردمی که از این راه گمراه می شوند نقل می کند که در قیامت می گویند: رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا فَأُضَلُّونَا السَّبِيلًا پروردگارا! ما بزرگان و اکابر خویش را پیروی و اطاعت کردیم و در نتیجه ما را گمراه ساختند. (انسان و ایمان شهید مطهری، ص ۶۹)

ما برای نجات خود از فرهنگ ظلمانی غرب می توانیم به آیات ۵۱ تا ۵۴ سوره مائده تمسک بجوئیم که عبارت از :

۱. عدم محبت و اعتماد به یهود و نصاری که شاخصه های امروزی آن فرهنگ غرب است با همتن تصویری که یهود از عدم قدرت تصرف خدا در عالم و آدم دارد.

۲. عدم نگرانی از ضرری که فکر می کنیم بابریدگی از یهود و نصاری برای ما پیش می آید.

۳. امیدواری به فتح و رحمت خدا در ازاء عقیده توحیدی و عمل الهی، در مقتبل تهدیدهای غرب (گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، اصغر طاهرزاده، ص ۱۶۰)
 ۴. ارزش گذاری به مومنین و بی اعتنایی به ارزشهای غربی و دوستداران آنها
 ۵. زنده نگه داشتن عشق الهی در قلب خویش و جامعه، و تلاش برای این که نگذاریم محبت به خداوند در ما خاموش شود.
 ۶. تقویت روحیه قیام در خود برای یاری دین خدا.
 ۷. عدم نگرانی از ملامت فرهنگها و تفکرات غیر دینی در راه ایجاد حیات و روش دینی. (گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، اصغر طاهرزاده، ص ۱۶۱)
 ۸. حضرت شعیب علیه السلام هنگامی که قومش بر دنباله روی بی منطق از پدران مشرکشان اصرار ورزیده، از وی می خواستند تا آنها را از راه پدران و اجدادشان باز ندارد و حتی در برخی از موارد با تهدید وی را به پیروی از راه خود فرا می خواندند، فرمود: ای قوم من! شما خود انصاف دهید. آیا اگر مرا از جانب پروردگار حجتی روشن و دلیلی قاطع باشد باز هم با من این گونه رفتار می کنید: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا...». (هود/ ۸۸، ۸۹) (دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۵، ص: ۵۱۴)
 ۹. زور و قلدری و مال و ثروت نامشروع و مکر و فریب بود، و انتخاب این دو تعبیر در اینجا شاید برای اینست که تا حدی عذر خود را موجه جلوه دهند و بگو ما تحت تاثیر عظمت ظاهری آنها قرار گرفته بودیم.*** در اینجا این دوزخیان گمراه به هیجان می آیند و مجازات شدید گمراه کنندگان خود را از خدا می خواهند و می گویند: "پروردگارا! آنها را دو چندان عذاب کن" (عذابی بر گمراهیشان و عذابی بر گمراه کردن ما!) (رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ).
 ۱۰. "و آنها را لعن کن لعن بزرگی!" (وَ الْعَنَهُمُ لَعْنًا كَبِيرًا).
- مردم دو دسته اند بعضی دانایان و اهل علم و دانشند و قوه تمیز و ادراک دارند و میتوانند حق و باطل را از هم تمیز دهند و از چنین اشخاص بیشتر آنها حب ریاست و پیشوایی بر آنان چیره گشته و برای اینکه مبدا به ریاست و پیشوایی آنها لطمه ای وارد آید زیر بار فرمان پیمبران نرفته و نمیروند و بعضی از عوام کالانعام را مطیع خود گردانیده و برای دوام ریاستشان آنها را اغواء مینمایند که بار بر دوش آنان گذارند و آنها نیز کور کورانه یا از روی فقر یا جهل و نادانی زیر بار آنان میروند و آن سیه

بختان در دنیا بظلمت جهل و نادانی و در آخرت بآن عذابهای کدایی مبتلا خواهند گردید امان از جهل و نادانی که خود عذاب بزرگی است که همه مبتلا بآن هستیم و نمی‌فهمیم. (تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ج ۱۰، ص: ۲۵۹)

نتیجه گیری

فکر، نیرویی است در شخص که برای طلب معنا، در امری دقیق و باریک می‌گردد و تفکر جولان این نیرو بر حسب نظر عقل است و جز بر آنچه صورت آن در قلب حاصل گردد گفته نمی‌شود.

از بررسی آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود افرادی که از نظر فکری یا بدنی یا اقتصادی آنچنان ضعیف باشند که قادر به شناسایی حق از باطل نشوند، و یا این که با تشخیص عقیده صحیح بر اثر ناتوانی جسمی یا ضعف مالی و یا محدودیتهایی که محیط بر آنها تحمیل کرده قادر به انجام وظایف خود بطور کامل نباشند و نتوانند مهاجرت کنند آنها را مستضعف (فقیر فکری) می‌گویند.

فقر فکری دارای آثار فردی و اجتماعی زیادی است که بعضا دارای عواقب جبران ناپذیری است. فردی که دارای فقر فکری است تقلید و تبعیت کورکورانه از نیاکان را بد نمی‌داند ولو نیاکان او دارای عقاید خرافی و انحرافی باشند. چنین فردی راه را برای ورود شیطان در دلش، بواسطه ی وجود ضعف و ناتوانی عقلی و فکری باز می‌کند. در تصمیم گیری ها قادر به تشخیص قاطع درست از نادرست نیست، استقلال فکری ندارد و دلش از حب دنیا پر است.

منابع

قرآن کریم/ نهج البلاغه

۱. محمد آمدی عبدالواحدین / مترجم انصاری محمد علی (۱۳۹۵)، غررالحکم: کلمات قصار امیرالمومنین علیه السلام

۲. مطهری مرتضی (۱۳۹۳)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۱): انسان و ایمان، تهران، انتشارات صدرا.

۳. طاهرزاده اصغر (۱۳۹۸)، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، اصفهان، انتشارات لب المیزان.

۴. سادات محمدعلی (۱۳۸۴)، اخلاق اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، نویسنده: جمعی از نویسندگان، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامية.

۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دایرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

۸. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، مترجم: دانش، موسی، قم، تهیه کننده: دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجم: عبدالحمیدی، علی / غفوری، اکبر / امیری شادمهری، احمد / صاحبی، عبدالعلی / روحانی، حبیب / مقدمه نویسنده: واعظ زاده خراسانی، محمد.

۱۰. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰)، تفسیر عاملی، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران، ناشر: کتابفروشی صدوق

۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، سوگندهای پر بار قرآن، قم، ناشر: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، ناشر: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.

۱۳. انصاریان حسین، تفسیر حکیم، قم، ناشر: دار العرفان

۱۴. حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۲۷ ه. ق)، نور ملکوت قرآن، مشهد مقدس، ناشر: علامه طباطبایی.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، محقق: علی بابایی، احمد، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامية.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، مثالهای زیبای قرآن، قم، ناشر: نسل جوان.

۱۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲)، تعالیم قرآنی، تهران، ناشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم، ناشر: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۱۹. صادقی فدکی، جعفر (۱۳۸۸)، ارتداد، بازگشت به تاریکی: نگرشی به موضوع ارتداد از نگاه قرآن کریم، تهیه کننده: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، ناشر: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

۲۰. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم، ناشر: موسسه انتشارات هجرت.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام قرآن، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامية.

۲۲. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناشر: اسلام.
۲۳. مطهری مرتضی (۱۳۹۰)، حکمت ها و اندرزها، ج ۱، تهران، انتشارات صدرا.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم، ناشر: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه. ق)، : مفردات ألفاظ القرآن، محقق: داوودی، صفوان عدنان، لبنان (بیروت)، ناشر: دار الشامیة.
۲۶. شعرانی ابوالحسن / محمد قریب، نشر طوبی یا دائره المعارف لغات قران مجید، انتشارات کتابفروشی اسلامیة تهران .
۲۷. محدثی جواد (۱۳۹۱)، بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی (ره)، قم، مرکز مدیریت خواهران، مرکز نشر هاجر.
۲۸. مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۹۷/۱۱/۱۹
۲۹. مقام معظم رهبری، بیانات در محفل انس با قرآن، ۹۲/۴/۱۹
۳۰. مقام معظم رهبری، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۶۰/۴/۵
۳۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳)، فرهنگ قرآن، قم، ناشر: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۳۲. امین، نصرت بیگم (۱۳۸۹)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، اصفهان، انتشاران گلبهار .